

## توسعه صنعتی ایران تجربه گذشته و استراتژی آینده

دکتر علی رشیدی

### ۱- توسعه صنعتی - تجربه جهانی

وانگیزه سودجویی و رقابت، کاربرد تکنولوژی‌های تازه بدست آمده را همراه با قبول ریسک و هزینه تجربه، تشویق کرده است. به عبارت دیگر رشد و توسعه اقتصادی پایدار دنیای غرب در طی سه قرن اخیر تنها در سایه رشد و توسعه صنعت و به کمک تکنولوژیهای جدید، ابداع شده توسط اندیشمندان آنها در موسسات علمی و آموزشی و آزمایشگاهها،

رشد و توسعه اقتصادی کشورهای اروپا، قاره آمریکا و ممالک خاور دور و اعمار آنها هریک با فاصله‌های زمانی خود در سه قرن اخیر، تنها در سایه پیشرفت فنی و تکنولوژیکی و کاربرد آن در صنعت تحقق یافته است. محیط اجتماعی و سیاسی و قضائی مساعد برای فعالیت سوداگران و کارآفرینان، رغبت سرمایه گذاری در نوآوریهای فنی و تکنولوژیکی را تشدید

تحقق یافته است.

توسعه صنعتی در دوره ابتدائی، با توجه به وجود بازار و تقاضای شدید، تنها در گرو موجودی سرمایه و سرمایه گذاریهایی صنعتی و درجه رشد و تکامل تکنولوژی جامعه و یا قابل عرضه به سرمایه گذاران است. توسعه صنعتی به عنوان قوه محرکه توسعه و رشد کلیه بخش‌های اقتصاد و به عنوان عامل اصلی تحول در کل ساخت و بافت جامعه و روابط داخلی و بین‌المللی آن عمل کرده است. افزایش درآمدها بدنبال افزایش اشتغال، تدریجاً تقاضا برای کالاهای مصرفی غیرغذائی، کالاهای نیمه ضروری و کالاهای تجملی و مخصوصاً تقاضا برای خدمات را افزایش می‌دهد و با لافتن سطح زندگی را که مشخصه اصلی آن ازدیاد و تنوع مصرف است بوجود می‌آورد. افزایش سهم صنعت و تولیدات صنعتی در کل تولید جامعه، افزایش اشتغال صنعتی، کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و سهم آن در تولید کل، افزایش سهم بخش خدمات و اشتغال در فعالیت‌های خدماتی، ازدیاد شهرنشینی، افزایش نقش و مسئولیت‌های دولت، متنوع و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه، پیداشدن شکل‌ها و نهادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تازه و ابداع و اشاعه تکنیک‌های مدرن برای تنظیم روابط و نگاهداری حسابها و وضع قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها تازه و از همه بالاتر تخصصی شدن کارها و فعالیت‌ها و تشدید وابستگی متقابل چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی (بر پایه اصل برتری نسبی) جمگلی از پی امدهای طبیعی روند توسعه صنعتی است. توسعه صنعتی پایدار در عصر ما در گرو عوامل و پدیده‌هایی است که بعضاً در قرون گذشته و مخصوصاً برای پیشگامان نهضت صنعتی و انقلاب صنعتی مطرح نبوده است. عوامل مؤثر در توسعه صنعتی در جهان امروز عبارتند از:

۱- محیط اجتماعی، سیاسی، قضائی مساعد برای توسعه و رشد اقتصادی و مخصوصاً توسعه صنعتی که به صورت عزم و اراده ملی و همگانی برای توسعه صنعتی و برنامه و هدف توسعه صنعتی متجلی می‌گردد.

۲- تجهیز کلیه منابع مالی، انسانی، آموزشی و تکنولوژیکی جامعه برای توسعه صنعتی، از بین این عوامل، مشخصه اصلی، میزان سرمایه گذاری فزاینده صنعتی در جامعه و مخصوصاً و تداوم روند آن است که بمرور ظرفیت و قدرت توسعه صنعتی جامعه را تقویت و برسرعت رشد و توسعه صنعتی می‌افزاید.

۳- عرضه کافی و تکاملی علوم و فنون کاربردی پاسخگوی نیازهای صاحبان صنایع در صحنه رقابت‌های داخلی و بین‌المللی، که خود این امر مستلزم زنده و پویا بودن دانشگاهها و موسسات علمی و آموزشی است.

۴- باز بودن و دوطرفه بودن مبادلات و دادوستدهای بین‌المللی که نه تنها بازارهای داخلی ربه بازارهای جهانی برای کالاها و خدمات مرتبط نماید بلکه امکانات انتقال تکنولوژی، مدیریت و استانداردها را فراهم سازد. باز بودن اقتصاد و وجود رقابت نه تنها امکانات فروش کالاهای صنعتی کشور در خارج را ارائه می‌دهد و در داخل کار و اشتغال و درآمد و افزایش مقیاس تولید می‌آفریند بلکه از بیراهه رفتن و هدر دادن امکانات محدود سرمایه‌ای کشور جلوگیری می‌نماید.

### ۲- توسعه صنعتی - تجربه ممالک شرق آسیا

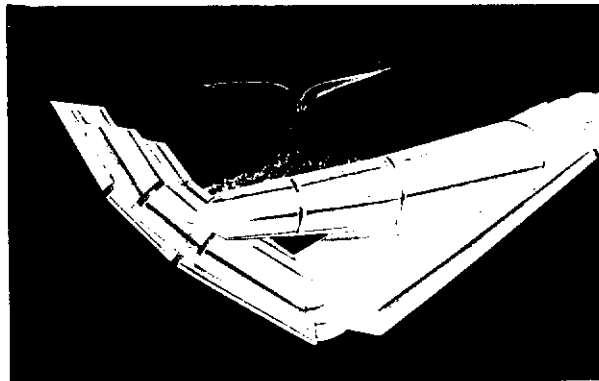
تجربه موفق کشورهای تازه صنعتی شده شرق و جنوب شرقی آسیا در ربع قرن اخیر اطلاعات دقیقتر و جزئی تری را در زمینه راه توسعه صنعتی در اختیار ما می‌گذارد. این تجارب نشان می‌دهد که توسعه صنعتی از راه و به کمک عوامل

## ۲- توسعه صنعتی - تجربه ایران

توسعه صنعتی ایران اگرچه سابقه‌ای شست ساله دارد، ولی سیاست توسعه صنعتی بر مبنای تقویت بخش خصوصی و ایجاد صنایع تولید کالاهای مورد نیاز عامه (جانشین واردات) از سال ۱۳۳۷ و پس از تعیین نرخ برابری واقع بینانه برای ریال (نرخ رسمی دلار از ۳۲/۵ ریال به هردلار ۷۵/۷۵ ریال افزایش یافت) بمورد اجرا گذاشته شده است. در دوره بیست سال ۵۶-۱۳۳۷ سرمایه‌گذاریهای صنعتی و معدنی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ تقریباً ۱۰ برابر و سهم ارزش افزوده بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی از حدود ۴ درصد به حدود ۲۳ درصد افزایش یافت. همچنین میزان بهره‌وری در صنعت از حدود ۰/۹ درصد به حدود ۲/۷ (۱) رسید. از زمان انقلاب تاکنون کلیه متغیرهای اقتصادی مربوط به بخش صنعت و معدن نوسانات شدید داشته است و همین امر هرگونه جهت‌گیری و بهره‌برداری از امکانات و منابع و فرصت‌ها را با مشکل مواجه کرده است. خصوصاً سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاریهای صنعتی در ایران در دوره اخیر بشرح زیر قابل ذکر است.

۱- سیاست‌ها و برنامه‌های صنعتی کشور بیشتر دنبال روی سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته بوده و یا برای پاسخ‌گویی به شرایط اضطراری (اعم از جنگ تحمیلی، کمبودهای انرژی یا فشارهای سیاسی) تنظیم و اجراء شده است.

۲- سهم بخش صنعت و معدن در سرمایه‌گذاری ملی، بسیار اندک، دارای نوسانات شدید و روند نسبتاً ثابت (دردوره ۷۲-۱۳۴۴ حدود ۹ درصد) و درسالهای اخیر نزولی بوده است. کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت و معدن ناشی از



و همکاری با دنیای خارج امکان‌پذیر بوده است.

۹- توجه به بخش خدمات در روابط اقتصادی بین‌المللی (بیمه، بانکداری، توریسم، حمل و نقل و ارتباطات) بمنظور کسب درآمدهای ارزی و تامین نیازهای ارزی واردات ماشین‌آلات و قطعات و تکنولوژیکی و حفظ و تقویت ارزش بین‌المللی پول کشور.

۱۰- اصلاح و باوضع قوانین و مقررات لازم و ایجاد تاسیسات مالی و پولی مناسب به منظور ایجاد بازارهای مالی رقابت‌آمیز و امکانات عرضه پس‌اندازهای داخلی و جذب سرمایه‌های غیرمستقیم و مستقیم خارجی.

۱۱- تدوین و تعقیب جدی استراتژی توسعه صادرات کالاهای صنعتی به عنوان قوه محرکه توسعه اقتصادی، فنی، تکنولوژی و مدیریتی کشور و تنظیم قوانین و مقررات، سیاست‌های تجاری، مالی، مالیاتی و ارزی در جهت موفقیت استراتژی ملی توسعه صادرات صنعتی.

۱۲- تغییر و تکامل تدریجی نقش دولت از تسلط و انحصار و دخالت مستقیم به مشارکت و همکاری با بخش خصوصی و سپس یافتن نقش ستادی برای تنظیم قوانین و مقررات و سیاست‌گذاری و نظارت بر عملکرد صحیح مکانیزم بازار و رفع بحرانها و عدم تعادلها.

صحيح توسط دولتها با توجه دقيق به اصول علم اقتصاد، مخصوصاً کنترل تورم و مثبت نگاه داشتن بازده پس‌اندازها که خود عامل مهمی برای تشویق پس‌اندازها و توزیع عادلانه درآمدها بوده است.

۶- تشویق مداوم سرمایه‌گذاریهای صنعتی خصوصی با بالاترین نگاه داشتن سودآوری سرمایه‌ها از راه کنترل هزینه‌ها و بهبود کارائی و هدایت پس‌اندازها و سودهای توزیع نشده به سوی سرمایه‌گذاری که به تقویت پایه سرمایه‌ای و تنوع صنایع جامعه منجر گردیده است.

۷- کوشش در افزایش مداوم سهم ارزش افزوده محصولات صنعتی در تولید ناخالص ملی که نه تنها ایجاد و رشد اشتغال صنعتی را به عنوان پیش‌تاز جذاب نیروی کار جوان و کارآمد محصول دانشگاهها، ممکن ساخته است، بلکه روز بروز با تامین بیشتر نیازهای بخش صنعت و سایر بخش‌ها به ماشین‌آلات قطعات و مواد اولیه و کالاهای ساخته شده، همبستگی درونی و داخلی بخش‌های اقتصاد ملی را تشدید و تقویت کرده است.

۸- بهره‌برداری از امکانات فنی و تکنولوژیکی و سرمایه‌ای و نرم‌افزاری خارجی اعم از منطقه‌ای و جهانی برای توسعه صنعتی و ایجاد صنایع واسطه و واحداث حلقه‌های مفقوده صنعت، که دستیابی به آنها تنها از راه مشارکت

و ابزار زیر حاصل شده است:

- ۱- محیط مساعد اجتماعی، سیاسی، قضائی جذاب و مشوق سرمایه‌گذاری صنعتی. احساس آرامش و رضایت نسبی شهروندان از زندگی در محیط و در رابطه با حکومت، بطور فزاینده قبول وظیفه و مسئولیت در امر سازندگی ملی و توسعه و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تسهیل کرده است. مشارکت اجتماعی، اقتصادی روز بروز در اثر وحدت ارمانهای سیاسی و اجتماعی و مشارکت در مواهب رشد اقتصادی بیشتر شده است. نقش رهبران سیاسی - اقتصادی و اجتماعی جامعه و جهان‌بینی و آینده‌نگری آنها در ایجاد محیط مساعد برای فعالیت و ارائه الگو برای کل جامعه اهمیت حیاتی داشته است.
- ۲- روی کار آمدن دولت‌های قوی، هدفمند، صادق، دلسوز و دارای کارائی که توانسته‌اند اهداف رشد و توسعه ملی را در قالب برنامه‌های اجرایی با مشارکت مؤثر بخش خصوصی تحقق بخشند و برای ملت خود در سطح جهانی اعتبار و حیثیت تازه‌ای کسب نمایند و در سازمانهای مالی و پولی و تجاری بین‌المللی مشارکت مؤثر داشته باشند.
- ۳- پیدایش و تقویت طبقه متوسط با قدرت خرید روبه‌تزايد در جامعه که از یک طرف تقاضای مؤثر را در جامعه افزایش داده و از طرف دیگر موجبات افزایش دائم سطح پس‌انداز ملی را فراهم ساخته است.
- ۴- رشد مداوم و قدرتمند بخش خصوصی همراه با جسارت و شهامت که نه تنها پهنه اقتصاد داخلی را صحنه ابداعات و نوآوریها و عرضه کالاهای و خدمات خود ساخته است بلکه توانسته است مشارکت، همکاری و حتی رقابت خارجی را به عاملی برای رسوخ به بازارهای جهانی و هم‌طراری یا غولهای صنعتی غرب تبدیل نماید.
- ۵- اعمال سیاست‌های مالی و پولی

کاهش بهره‌وری سرمایه‌های موجود و کاهش انگیزه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بوده است.

۳- در سرمایه‌گذاریهای انجام شده در بخش صنعت و معدن سهم سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات به کل سرمایه‌گذاری نسبتاً پایین و بانوسانات شدید همراه بوده به نحوی که در دوره ۷۲-۱۳۵۲ سه بار پس از سقوط شدید دو تاسه برابر گردیده است.

۴- رشد بخش صنعت و معدن به رغم سرمایه‌گذاریهای انجام شده نسبتاً کم و سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی یادداشتن نوسانات شدید و سیر نزولی اندک بوده است (برعکس بخش بازرگانی).

۵- سرمایه‌گذاریهای انجام شده بیشتر در بخش ساختمان اعم از مسکونی و تجاری و امکانات زیربنایی متمرکز بوده و بطور کلی این بخش در دوره ۷۲-۱۳۳۸، ۷۴ درصد کل سرمایه‌گذاریها را جذب کرده است.

۶- سهم سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی در دوره ۷۰-۱۳۶۰ از کل سرمایه‌گذاریها حدود ۴۳ درصد و ۶۰ درصد آن در بخش ساختمان متمرکز بوده است. ۷- نوسانات شدید سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات هم مربوط به سرمایه‌گذاریهای بخش دولتی و هم مربوط به سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی بوده است. ولی افت و خیز سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات به مراتب از نوسانات مربوط به بخش دولتی بیشتر بوده است.

۸- سرمایه‌گذاریهای دولتی و خصوصی در ماشین‌آلات مستقیماً به موجودی ارزی و درآمدهای ارزی کشور و امکانات استفاده از اعتبارات در سطح جهانی ربط داشته است. وجود ارز دولتی فراوان و ارزان در سالهای (۵۵-۱۳۵۲، ۶۲-۱۳۶۰ و ۷۲-۱۳۶۸) به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات در این سالها جهش چشمگیر داده است.

۹- ارزش افزوده بخش صنعت و معدن

متناسب با سرمایه‌گذاریهای انجام شده افزایش نیافته است. بهره‌وری در صنعت که در سالهای ۵۵-۱۳۳۸ تقریباً سه برابر شده بود، در سال ۱۳۶۱ به حدود سال ۱۳۳۸ تنزل کرد و در حال حاضر حدود نصف رقم مربوط به سال ۱۳۵۶ است (حدود ۱/۲۸). کاهش ارزش افزوده در بخش صنعت در سالهای بعد از ۱۳۵۵ به عواملی مانند فقدان نظام انضباطی، جایجائی مکرر مدیران بی‌تجربه و کم‌دانش، کمبودهای ارزی و پایین بودن سطح دانش فنی ربط داشته است.

۱۰- افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت به افزایش اشتغال صنعتی و ایجاد کار منجر نشده است. گرایش بخش صنعت و معدن به استفاده از تکنولوژی سرمایه‌بر (ارزان بودن عامل سرمایه) و تمرکز سرمایه‌گذاری در صنایع مادر از یک طرف و مشکل بودن استخدام و به کارگیری نیروی انسانی (مقررات قانون کار) از طرف دیگر از عوامل سست شدن رابطه بین سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بوده است.

۱۱- سرمایه‌گذاری در صنعت با کمک ارز ارزان دولتی، توسعه صنعتی کشور را شدیداً درگرو واردات ماشین‌آلات، قطعات و کالاهای واسطه و مواد اولیه قرار داده است. به عبارت دیگر توسعه صنعتی کشور دورن‌زا نبوده است و از جمله صنعت ماشین‌سازی کشور و ساخت ماشین‌آلات در داخل از مواهب سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات بهره‌چندانی نداشته‌اند.

۱۲- چندترخی، ارزان و غیرواقعی بودن نرخ ارز، انگیزه‌های قوی برای سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات با ارائه فاکتورهای متورم را ایجاد کرده است. ارائه این فاکتورها برای اخذ ارز دولتی علاوه بر تامین ماشین‌آلات ارزان برای مسئولان صنایع، سودهای بادآورده‌ای عاید گروه‌هایی از دست‌اندرکاران کرده است که انعکاس بارز آن تشدید اختلافات طبقاتی بوده است.

۱۳- به رغم تزریق دلارهای نفتی و استقراضی به بخش صنعت (۳۲ میلیارد

دلار در سالهای ۷۱-۱۳۶۸ و ۱۲ میلیارد دلار بیش از پیش بینی برنامه اول) این بخش با نداشتن رشد و کارائی، نقش چندانی در ایجاد اشتغال و درآمد برای عامه مردم و در توزیع درآمدها و میازره با فقر نداشته است.

۱۴- سیاست صنعتی اعمال شده و روش‌های تشویق سرمایه‌گذاری صنعتی (واگذاری ارز دولتی به دارندگان موافقت اصولی و...) با کمک نکردن به ایجاد اشتغال و درآمد و تولید متناسب با منابع مصرف شده، باعث ائتلاف منابع جامعه و از دست رفتن فرصت‌ها شده است.

۱۵- ناپایداری و کم‌بودن سرمایه‌گذاری در صنعت، امر انباشت سرمایه در صنعت را کاهش داده و یا حتی متوقف کرده است. به عبارت دیگر، استهلاك سالانه ماشین‌آلات و قطعات از سرمایه‌گذاریهای سالانه انجام شده بیشتر بوده، درحالی‌که استمرار انباشت سرمایه به رشد سرمایه‌های موجود در بخش صنعت، مستلزم افزایش فزاینده نسبت سرمایه‌گذاری به استهلاك است.

۱۶- کاهش بهره‌وری در صنعت به عواملی مانند سیاست قیمت‌گذاری کالاهای صنعتی، کیفیت پایین مدیریت صنعتی، نامطمئن و کم‌بودن امکانات ارزی برای خرید واقعی ماشین‌آلات و قطعات و تجهیزات، کمبود دانش فنی و کمی مهارت نیروی کار و نامتناسب بودن آن با میزان تولید بستگی داشته است.

۱۷- سیاست صدور موافقت اصولی و واگذاری ارز ارزان دولتی به متقاضیان سبب ایجاد تعهدات ارزی پرهزینه برای کشور شده است که بازپرداخت آنها (سالی ۸ تا ۱۶ میلیارد دلار) کاهش امکانات سرمایه‌گذاری صنعتی آینده و کمبود مواد اولیه و قطعات را بوجود می‌آورد که خود باعث افت امکانات بهره‌برداری از سرمایه‌های موجود می‌گردد.

#### ۴- توسعه صنعتی - هدفها و استراتژی‌ها

فرآیند توسعه صنعتی جریان‌ی چندبعدی و فراگیر کل جامعه است و از این رو استراتژی توسعه صنعتی باید دربرگیرنده کلیه ابعاد موضوع باشد. وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول باید پیوسته به تمام جهات اهداف و استراتژی‌های توسعه صنعتی از نظر تداوم و نتیجه بخش کردن آن توجه داشته باشند.

#### الف - هدفها

اهداف توسعه صنعتی به عنوان بخشی از اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، با لایردن مداوم سطح رفاه و خوشبختی همه مردم جامعه، بنحوی است که بطور نسبی از ایرانی بودن و زندگی و فعالیت کردن در این سرزمین راضی و خوشحال باشند و بخواهند با علاقه برای حفظ و سرزندگی جامعه خود کوشا بوده و فداکاری نمایند و در اداره امور آن مشارکت موثر داشته باشند.

پایه‌های دستیابی به این اهداف قبل از هر چیزی در چهار نکته خلاصه می‌شود:

۱- ایجاد اشتغال کافی و فزاینده برای نیروی کار کشور بنحوی که میزان بیکاری به پایین‌ترین سطح آن (بیکاری در سطح اشتغال کامل) محدود شود.

۲- ایجاد رشد اقتصادی مداوم برای ارتقاء سطح زندگی مردم و پاسخ‌گویی به نیازهای مادی تازه جمعیت افزوده شده.

۳- ایجاد و حفظ تعادل و سلامت و رشد مادی و معنوی و فرهنگی کل جامعه که از یک طرف به بالابردن کارائی و مولد بودن و جامعه می‌انجامد و از طرف دیگر از ایجاد عوامل منفی هدر دادن منابع جامعه (اعتصابات، آشوب‌ها، کم‌کاریها و...) جلوگیری مینماید.

۴- حفظ ثبات نسبی قیمت‌ها و حفظ مناسب ارزش بین‌المللی پول کشور که مکمل اهداف سه گانه فوق است.

اعمال سیاست‌های رفاهی و توزیع درآمدی، سیاست‌های ایجاد اشتغال و حداقل دستمزدها، سیاست‌های بازرگانی، صنعتی، کشاورزی، سیاست‌های علمی و فرهنگی و تکنولوژیکی، سیاست‌های مالی و پولی و ارزی و سیاست‌های قیمت‌گذاری و هدایت بازار ابزاری هستند که دولت‌ها به کمک آنها راه دستیابی به اهداف فوق را هموار می‌سازند.

### ب - استراتژی‌ها

باتوجه به وضع موجود صنعت کشور و نقش آن در اقتصاد ملی و وضعیتی که در اثر اعمال سیاست‌های مالی و پولی و ارزی پیش آمده و نیز مجموعه عواملی که در شکوفائی صنعت کشور مؤثرند، خطوط اصلی استراتژی‌های توسعه صنعتی به شرح زیر قابل ارائه است:

۱- توسعه صنعتی باید به توسعه روزافزون اشتغال صنعتی منجر شود، بنحوی که سهم اشتغال صنعتی حداقل تا میان مدت سیری صعودی داشته باشد.

۲- توسعه صنعتی باید با افزایش سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی همگام باشد. مداومت و رشد تولیدات صنعتی کلید رفع نیاز روبه‌تزايد مردم جامعه و کاستن از نیاز به کالاهای وارداتی است.

صعودی بودن سهم ارزش افزوده محصولات صنعتی در تولید ناخالص ملی و سریعتر بودن رشد آن از سایر بخش‌ها، نقش پیش‌تاز و رشد آفرین دارد.

۳- افزایش بهره‌وری و کارایی یا بالا بردن نسبت تولیدات صنعتی به سرمایه‌های انباشته شده در صنعت، کلید تضمین سودآوری صنعت و جذب سرمایه‌ها به این بخش است. سیاست‌های بهبود کیفیت مدیریت صنعتی، بهبود کیفیت نیروی کار و بهبود ماشین‌آلات و تکنولوژی و تأمین منابع مالی از ابزار ضروری بهبود بهره‌وری است.

۴- توسعه صنعتی باید در جهت شناخت و استفاده از مزیت‌های نسبی کشور و ایجاد مزیت‌های نسبی تازه برای اقتصاد کشور باشد.

۵- توسعه صنعتی باید با ایجاد امکانات فزاینده تولید و صدور کالاهای ساخته شده صنعتی کشور همگام باشد. توسعه صادرات صنعتی قوه محرکه توسعه اقتصادی شناخته شده است.

۶- توسعه صنعتی باید روز بروز امکانات کسب درآمدهای ارزی بیشتری را برای کشور فراهم سازد و این امر از سه نقطه نظر، خشک شدن درآمدهای ارزی نفتی، بازپرداخت بدهی‌های تفسیط شده و تأمین نیارهای وارداتی اجتناب ناپذیر، حیاتی است.

۷- مثبت بودن ارزآوری هر رشته از صنعت باید بطور جدی مورد توجه و تشویق قرار گیرد. توسعه صنعتی بر مبنای تولید کالاهای جان‌شین واردات، تنها در صورت وجود مزیت نسبی در طی زمان مناسب و کاستن از هزینه‌های ارزی واردات و ایجاد درآمد ارزی مثبت درازمدت توجیه‌پذیر است.

۸- شناخت حلقه‌های مفقوده صنعتی و ایجاد صنایع مکمل که استفاده و کارایی از سرمایه‌گذاری‌های موجود را افزایش می‌دهد از اولویت خاصی برخوردار است.

۹- توسعه صنعتی باید به درون‌زا شدن صنعت و تشدید وابستگی متقابل و فزاینده صنایع کشور به یکدیگر منجر گردد. ایجاد نظام اطلاع‌رسانی صنعتی و تشویق تشکل‌های صنعتی و حرفه‌ای در تقویت همبستگی صنایع کشور مؤثر است.

۱۰- کمبود امکانات ارزی، بهینه‌سازی صنعتی (خودداری از ایجاد صنایع موازی بدون رساندن صنایع موجود به حداکثر ظرفیت، و بهره‌برداری و استفاده از مزیت‌های حاصل از مقایس تولید و تولید انبوه) و ادغام‌های صنعتی را اجتناب ناپذیر می‌کند. استفاده از معیارهای واقعی

بازار، مثل قابلیت رقابت در بازارهای بین‌المللی (کاهش هزینه تولید) و ارزآوری مثبت برای تنظیم سیاست‌های مناسب باید مدنظر باشد. ایجاد رشد مداوم و عاری از نوسانات شدید بخش صنعت، باید اساس سیاست ادغام و بهینه‌سازی واحدهای صنعتی و جذب سرمایه‌های تازه به این بخش باشد.

۱۱- توسعه صنعتی باید با توسعه علوم کاربردی در کشور و افزایش توان علمی و تحقیقاتی موسسات علمی کشور همگام و موید آن باشد. ایجاد تکنولوژی بومی و درون‌زا کردن توسعه صنعتی و نیز تداوم بخشیدن آن در گرو تکیه صنعت کشور به دانشگاه‌ها و موسسات علمی کشور است.

۱۲- افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت با تشویق افزایش نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص ملی، جلب سرمایه‌های خارجی، سرمایه‌گذاری مجدد سودهای توزیع نشده و استفاده از منابع داخلی واحدها و از همه بالاتر سودآوری و اطمینان از سودآوری سرمایه‌گذاری صنعتی، ارتباط دارد و در کلیه این زمینه‌ها باید سیاست‌های تشویقی مناسب و واقع‌بینانه مورد اجراء گذاشته شود.

۱۳- افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت باید به افزایش ظرفیت‌های تولیدی، بهبود ماشین‌آلات، تکنولوژی و بهبود کیفیت و استاندارد محصولات صنعتی منجر گردد.

۱۴- توسعه صنعتی باید با توسعه مشارکت عامه در مالکیت واحدهای تولیدی و سهیم شدن در مزایا و سودآوری واحدهای صنعتی همراه باشد. اشاعه مالکیت‌های صنعتی در گرو وجود بازارهای مالی و اعتباری رقابت‌آمیز و اعمال سیاست‌های مالیاتی و ارائه اطلاعات مالی دقیق و وجود تاسیسات مالی مناسب است.

۱۵- توسعه صنعتی باید برای بخش صنعت امکانات تأمین منابع ریالی و ارزی لازم برای بهره‌برداری از امکانات و توسعه

بخش را فراهم نماید.

۱۶- توسعه صنعتی باید با دید برون‌نگر و جهانی و با هدف یافتن مقام و جایگاه مناسب صنعت کشور در جهان، بر مبنای اقتصاد بازار و رقابت و برخورداری متقابل از مزیت‌های نسبی انجام شود. مشارکت مستقیم و مؤثر در مجمع و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علمی و صنعتی و بازرگانی از ابزار ضروری توسعه صنعتی رقابت‌آمیز است.

پی‌نوشت: (۱) بهره‌وری نسبت به ارزش افزوده به سرمایه‌گذاری انجام شده می‌باشد.

